



سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

پیام کارگر

شماره ۶۰

بها، معادل ۶۰ ریال

ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال سوم نیمه اول بهمن ۱۳۶۸

بحران در جمهوریهای قفقاز:

چهره‌های از ناسیونالیسم

مهم مربوط به این تحولات، نگاهی می‌افکنیم: بدون تردید ناسیونالیسم ریشه در اتحاد شوروی، تنها بیانگر یک گرایش قبیله‌گرای از سوی آن دسته از نیروهای اجتماعی که خواهان اعاده نظم سرمایه‌داری هستند، نیست، بلکه به علاوه پاسخی اشراقی، و-تاریخی از سوی بخشهای وسیعی از مردم نسبت به یک رشته مشکلات و نارضایتی‌های بوده که طی دهه‌ها انباشته شده و اکنون برآنت که گویا با کسب استقلال و یا با کوبیدن سایر قلیت‌های ملی، حل شدنی است. - رکود اقتصادی جاری در شوروی زمینه اصلی بحران در روابط بین خلقهای این کشور است و زمانی که تکالیف محسوس در حرکت اقتصاد

بقیه در صفحه ۲

آذربایجان و ارمنستان شوروی؛ اعلام حکومت نظامی در مناطقی از آذربایجان شوروی و از جمله دربایکوونیزدخال و وسیع ارتش شوروی، حضور آن در مناطق مرزی جمهوریهای ارمنستان و آذربایجان و نیز در مرزهای خارجی این جمهوریها، بیش از هر چیز بیانگر عواقب یک پدیده‌یشت و غیر انسانی، یعنی درگیری کور و ارتجاعی " ناسیونالیسم " ملت‌های ساکن اتحاد شوروی است. پدیده‌ای که میرفت تا با پیش آوردن کشتارهای فاجعه بار و نسل کشی در میان آذری‌ها و ارمنی‌ها یک بربریت تمام عیار را رقم زند. این اقدام در جمهوریهای مزبور با اعتراض و بی‌دیش روی برآورده و واکنش‌های متفاوتی را در بر داشته است. ما در اینجا به اختصار به باره‌ای از مسائل

ولایت فقیه در تنگنا

راجدی نگرفتند. نزاع بر سر التزام به فرمایشات رهبری، یا التزام به وظایف نمایندگی، صورت‌بندی جدیدی را موجب شده و نمایندگان را عملاً به دو بخش حامی فقیه و مخالف وی تقسیم کرد.

سفر جوشکوبه ایران و پیامدهای آن نشان داد که چقدر وحدت موری با ندهای حکومتی حول قیامت و رهبری خامنه‌ای شکننده و متزلزل است. اختلافات تا کنونی چنانچه بعد از مرگ خمینی، اگر چه با رها نظام را نشان داده و به لرزه در آورده بود، اما اصل ولایت فقیه را خدشه‌دار نکرده بود. استیضاح ولایتی وزیر امور خارجه رژیم توسط نمایندگان مجلس به بها نهادنقا داد سفر جوشکوبه، بر زمینه درزا خباری مبنی بر فروش نفت ایران به اسرائیل و خرید لوازم پزشکی هواپیماها این نظامی‌زآن به کمک رومانی ماده محترقه‌ای بود که بر آتش اختلافات جناحی‌ای حکومتی فتا دو علی‌رغم همه تلاشهای خامنه‌ای، فقیه درمانده، شعله‌های این آتش اینبار را من "التزام به ولایت فقیه" را گرفت. حضور ولایتی در مجلس و تا کیدات او بر قرار داده‌ای "حیات" با رومانسی و احتمال فرار سیاسی به مصالح جمهوری اسلامی در رابطه با مسائل دفاعی در صورت لغو سفر جوشکوبه به ایران، نمایندگان معترض را راضی نکرد. آنها خواهان حضور مجدد و در مجلس و کمیسیون مربوطه شدند. فریادهای رهبر که به دفاع و حمایت از وزیر خارجه برخاسته بود، موثراً وقع نشد و قریب به ۵۰ نفر از نمایندگان علناً فرمایشات "ما مجدید"

چشمه‌ها مراقب گالیندویل

آقای "ریا لودگا لندویل" ما سوریزه کمیسیون حقوق بشر بلژیک متحد برای بررسی نقض حقوق بشر در ایران و باریدیدار زندانها، روز ۲۰ ژانویه به تهران عزیمت کرد و با بیان قرار است در این مورد گزارشی تهیه کرد و در اختیار کمیسیون حقوق بشر بلژیک متحد قرار دهد. آقای گالیندویل در مورد نقض حقوق بشر در ایران تاکنون گزارشات متعددی تهیه کرده است اما این اولین بار است که ضمن بازدید رسمی از ایران چنین وظیفه‌ای را انجام می‌دهد.

همانطور که در شماره‌های گذشته پیام کارگر آورده‌ایم، مدیرین سفر آقای گالیندویل به تهران در زمینه فشاراتکار عمومی بین المللی و نیز از سفر حکومت تهران به ایجا در تماس با غرب، که با وجود فشار عمومی مخالف آن چندان آسان نیست. بود، این سفر برای مردمی که به بیشتر ما به تریس صورت مورد فشار و سرکوب بوده‌اند، یک دستاورد است. دستاوردی که میتوان با استفاده از آن هر چه بیشتر به مقابله با سرکوب و اختناق حاکم بر ایران برخاست.

بی شک تقیهای حاکم بر ایران اقدامات زیادی برای بی نتیجه کردن سفر آقای گالیندویل انجام داده و سعی در محدود کردن میان سخن است بسیاری دیگر از زندانیان سیاسی با قیمتهای غیر منطقی شده‌اند. همچنین به اقدامات نامشروع متعددی دست زده‌اند که همگی نشان دهنده حساسیت آنها و اهمیت این سفر است. از جمله محدودی رژیس قوه قضا شیه در روز ۲۰ ژانویه تمامی رسانی زندانیهای کشور را در تهران جمع کرده و برای آنها در مورد با مطلع رفتار انسانی با زندانی و حفظ شئون انسانی آنها داد سخن داد و در حقیقت تصمیمات لازم برای قریبگاری وظایف برای در زندانها را به آنها ابلاغ کرد. ما در این مورد قیلام سخن گفتیم و از جمله در خواستهای خود آقای گالیندویل برای باره کردن برده قریب را ذکر کرده‌ایم.

در این مرحله از مبارزه برای دفاع از زندانیان سیاسی و علیه نقض حقوق بشر و اختناق و سرکوب در ایران، می‌باید بر بنیاد بیخ سفر آقای گالیندویل و سرگزارش او توجه داشته‌ایم. این پیش از این توجه نداشت. ما و همه مردم را بدخواه ایران مراقبیم که آقای گالیندویل چگونه عمل خواهد کرد و می‌باید بعد از بیان سفر او این توجه خود را به اطلاع ایشان

بقیه در صفحه ۲

در این شماره

- اعضاب غذا در فرانکفورت در صفحه ۱۱
- قتل یک جوان پناهنده در مالمو - سوئد! در صفحه ۳
- تغییرات در سیاستهای دولت چین در صفحه ۱۰
- بر علیه کودکان گزارشی از فلسطین اشغالی در صفحه ۱۲
- هنر
- قدرت طنز - محمودا ایرانی در صفحه ۵

بسوی مفهوم معا صر سوسیا لیسم قسمت دوم در صفحه ۱۷

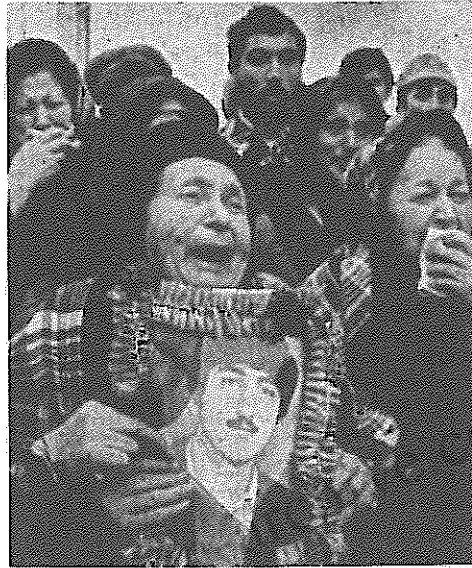
بحران در جمهوری

ادامه از صفحه ۱

شوروی به چشم نخورد. راه حل سیاسی مصلحت‌ناسیونالیزم، یعنی برابری واقعی حقوق خلقها، اقتدار ارگانهای حکومتی آنها در سطوح مختلف و غیره، ره به جایی نخواهد برد. در جمهوریهای آذربایجان و ارمنستان رهبران حزبی و آپارات حزبی - دولتی غالباً نقشی پیشتازی در بازسازی نداشته و خود به درجهات مختلف تخت تا شرویا نفوذ گسرایشات ناسیونالیستی قرار دارند. این البته تعادلی نیست، زیرا رکود اقتصادی موجود در شوروی به بازاریا و سوداگران آن زمینه مساعدی برای رشد داده و همانطور که مثلاً در حوا دیپ غم انگیز فرغانه در مطبوعات شوروی اعلام شد، این نیروهای سیاه با استفاده از نارضایتی حاصل از رکود اقتصادی و درجا زدن سطح زندگی و در همانگی مریح و یا ضمنی آنها را تهای حزبی و اداری خواهان و خامت هرچه بیشتر اوضاع، خرابکاری در روند تحولات سیاسی و اقتصادی هستند و اگر چه همه نیروهای ناسیونالیست الزاماً متعلق به طیف مافیائی سوداگران و بوروکراسی فاسد نیستند، اما در اینجا دفائی که در آن بتوان امتیازاتی از دولت گرفت با آنها اتفاق نظر دارند.

در آذربایجان شوروی، جنبش ارتجاعی اسلامی به عنوان پوشش مذهبی گرایش ناسیونالیستی عمل می کند و البته دخالتی عوامل جمهوری اسلامی در این جنبش امری عادی است. رنگ سبزی اسلامی ناسیونالیزم در آذربایجان، پوشش مناسب و در عین حال یک شیوه تجربه شده برای

جلب نیرو به اردوی ناسیونالیزم است. استفاده از احساسات مذهبی مردم به ناسیونالیستهای آذری که در فکرایجاد آذربایجان بزرگ هستند، امکان جمع آوری نیروی هر چه بیشتر را میدهد. در اینجا باید تاکید کرد که سواستفاده حکومت اسلامی و دخالتهای آشکار و پنهان فقهی جنایتکاران ایران در قضیه آذربایجان شوروی، در نتیجه امکان ناتی است که سیاست غلط اتحاد شوروی در برخورد با جنبش ارتجاعی اسلامی ایران، برای آنها فراهم کرد. اگر مردم شوروی و آذربایجان



امکان آگاه شدن از فجایع و سیاهکارهای سیاسی حکومت اسلامی در ده سال گذشته را داشتند، بی تردید امروز کمترین دهرچم سبز و سیاه فقهی بعنوان سبیل حرکت خود می افتادند.

در ده سال گذشته دولت شوروی از هیچ اقدامی برای حل مسأله آمیز مسئله قره باغ خودداری نکرده است. از تشکیل کمیته اداره قره باغ، واگذاری اداره امور آن به جمهوری روسیه، تلاش برای فعال کردن رهبران دو جمهوری و روشنفکران آنها به پادرمیانی و آشتی و غیره گرفته تا یک رشته قوانین برای احیای حقوق اقلیت های ملی، اما تکرار آنچه سومگاییت دریا کوکه طی آن دهها ارمنی تنها به جرم ارمنی بودن به قتل رسیدند، نشان داد که راه های سیاسی تاکنونی همگی به بن بست رسیده و راه بجایی نبرده اند و این مشکل پیچیده و خطرناک کماکان موجود است. و بیش از آن چو طرف با مسلح شدن و کاربرد سلاحهای سنگین از جمله هلی کوپتر علیه یکدیگر میروند تا فاجعه ای بیافرینند.

تخلخل در رهبری شوروی نیز باید به عنوان یکی از عوامل افراط کاری ناسیونالیزم به حساب آید، زیرا این به عنوان عامل بساز دارنده ای در شکل گیری یک سیاست واحد و پیوسته شکل گیری اداره واحد در اجرای سیاستها عمل نموده است. ناسیونالیزم بیشترین استفاده را از فضای ناشی از تعادل قوا بین گرایشات مختلف در رهبری حزب و بی ارادگی سیاسی عملی در یک رشته از سیاستها کرده است.

بهر صورت در شرایط کنونی که خطر کشتارهای وسیع بین آذری ها و ارمنی در میان است و افراطگیری و خشم کور از هر طرف زیان می کشد، راهی بجز کنترل برای پائین آوردن فشار عصیبت و حاکم کردن جو آرامش و خونسردی برای شروع اقدامات سیاسی فوری و گفتگو و پیدا کردن راه حل وجود ندارد. ما امیدواریم که آذری ها و ارمنی رهبران اتحاد شوروی امکان اینرا پیدا کنند تا بشیوه ای انسانی و متعهدانه با مشکلات برخورد کرده و راه حل مناسب را پیدا کنند.

ولایت فقیه در تنگنا

ادامه از صفحه ۱

در همین زمان سخنرانی منتظری در حوزه علمیه قم علیه استبداد، زورگوشی و انحراف مسئولین نظام از اصول انقلاب اسلامی، چنان شرایطی را به وجود آورد که رژیم متادلس را از دست داده و اقدامات حساب نشده دست زد.

اعلام نام ۲۱۲ نفر از نمایندگان مجلس از ادیب و تلویزیون در حمایت از خا منهای، در حالیکه نمایندگان مجلس بیش از ۲۶۰ نفر هستند و ما ندهی سراسیمه تظاهرات فرمایشی در مقابل خانه منتظری و در دانشگاه تهران برای حمایت از خا منهای، آشفتگی رژیم را به نهایت درآشکار ساخت. این حرکات منجر به تظاهرات متقابل هوا داران منتظری در نجف آباد مغان و جلوسگری از سخنرانی نمایندگان جناح با زار در دانشگاه شده، همچنین نمایندگان جناح تندرو در مجلس علیرغم همه فشارها کوتاه نیامده و بردهن فقیه کوبیدند. دوزدوزانی نماینده تهران در مجلس در حالی که گفت تلفنی از خا منهای پرسیده است که آیا منظور از "عنا صر غیر مسئول" آنها هستند یا نه، اعلام کرد: "مشون و حقوق نمایندگان مجلس چیزی

است که با قید "غیر مسئولانه" و "عدم مسئولیت" که در فرمایشات رهبر بوده است، "املا ت سب ندارد" و مربوط به ما که از وزیر سوال کرده ایم نیست! (#) اما محمد عظیمی نماینده طرفه جناح با زار در همین جلسه خطاب به دوزدوزانی گفت: "آقایان می گویند خطاب مقام معظم رهبری ما نبوده است. من می گویم خودتان را گول نزنید". و تهدید کرد که "مگر میشد در دورانی که با همه سیاستها استکباری و متجاوز و زور و هوس تیم جا زده ایم مسئولان دیپلماسی کشور مورد تهاجم افرادی مسئولیت قرار بگیرند". درگیری جناحها و بسیج نیرو برای مقابله با طرف مقابل در شرایطی که رفسنجانی صحنه گردان اصلی رژیم هم با اظهارات اینگونه اقدامات دولتی زیر نظر آ (خا منهای) انجام میگیرد، ضربه حملات را به سمت مقام رهبری میگرداند. ولایت فقیه را در تنگنا سختی قرار میدهد. خا منهای در حالیکه رشته امر از کف داده است، با زستی خمینی و ارباب صدور پیاپی در تاریخ ۱۸ دی خطاب به مردم، مجلس و دولت و اینکه: "خدا شد الزام به ولایت فقیه و تبعیت از رهبری، خدا شد در کلیت نظام اسلامی است و این جانب این را از هیچکس و هیچ دسته و گروهی تحمل نخواهم کرد" نمایندگان سرکش را تهدید کرد. اما چه سود چون پاسخ نمایندگان مجلس بیسک

تعارض آشکار بود. مجلسیان بعد از کشمکشهای فراوان تا مه ای در حمایت از ولی فقیه و در پاسخ پیاپی خا منهای نوشتند که ۲۱۲ نفر از نمایندگان مجلس آت را امضا کردند. این نامه فقط لحسن و سبک عربی نویسی به "پیشگاه رهبر" را نداد بلکه با تندری تمام دربار ره حق مجلس در نظارت بر دولت و مورد سوال قرار دادن وزرا، که مورد اعتراض خا منهای قرار گرفته بوده، سخن میگوید بحثی که علی اکبر ناطق نوری در خا منهای نامه نوشت که این نامه در حمایت از رهبری بلکه دفاع از خود مجلس در مقابل رهبری و هم طراز قرار دادن "مقام رهبری" با مجلس است!

فشارها با نهایت اقساطا دی، بین بست بازاری و فرانس، نزاجا رعمی مردمی از رژیم، و ریت فقیه اسلامی را در غرقاب سیاسی فرو برده است. جدا نشی روز افزون میان رژیم از آن، تهمرد آشکار نمایانند - کان حزب الهی مجلس از رهبری خا منهای و به سخن در آمدن منتظری، آغاز دوزدوزانی در پروسه از هم پاشیدگی نظام مستحکمی اسلامی در ایران است.

مرتضی آلویری نماینده تهران نیز در آجس سخنرانی خود با یکی بردستی خا منهای ریخته و گفت: "سوالی که نمایندگان مطرح میکنند اولین، با ر بوده و نه آخرین بار".

زنان

اتوبوس ویژه برای خواهران

چندی است که شرکت واحد اتوبوسرانی تهران طرح اختصاصی اتوبوس ویژه برای "خواهران" را به اجرا گذاشته است.

این طرح از ۱۳ آبان در خطوط مختلف تهران اجرا می شود. طبق این طرح در هر مسیر دو اتوبوس را بطور ویژه به "خواهران" اختصاص داده اند. ولی آنجا که زنان تنها بندرت در مسیرهای طولانی حرکت می کنند... با فشارها بی که از جانب گشتیاریها با آنها می آید و با عیبها و ایرادها که در اتوبوسها دیده می شود، کمترین زنی قادر به تنها بیرون رفتن است و زنان در بیشتر موارد همراه با خانواده خود به خواهران میروند.

"اتوبوس های ویژه" عملاً در بیشتر موارد با ۶-۷ سرنشین زن در حرکتند.

به گفته یکی از رانندگان اتوبوس در تهران، "این طرح در همان مدت کوتاه، درگیری بین رانندگان و مسافران منتظر در صف های اتوبوس را ایجا نکرده است. و در مواردی درگیری های کلانتری هم مشاهده شده است.

شرکت واحد اتوبوسرانی که بعد از مدت ها اعتراض ها علیه کمبود اتوبوس و معطلی های آنها نگاه به چاره جویی نداشت بود، بعد از مدت ها انتظار طرح "اتوبوس ویژه" را اعلام نمود. و مسافران را انگشت به دهان گذاشت از "فکر بکر" و "خواهر بوسرانی" حضرات که در اتوبوس نمی گنجد.

زنان و مسافرت

خبر رسیده که در هتل ها به زنانی که تنها اقدام به مسافرت کرده اند تا ق داده نمی شود. البته طبق اطلاعیه دو ایراکن عمومی کمیته انقلاب اسلامی، هتل ها و مسافرخانه ها تنها به افرادی که مدارک شناسایی معتبر دارند، اتاق می دهند.

ولی آنجا شیکه رژیم جمهوری اسلامی دانشگاه انگران این "پیچیده" بی حق و حقوق است، زنان علیرغم مدارک شناسایی معتبر حق گرفتن اتاق تنها را ندارند. این مسئله که اعتراض برخی زنان را برانگیخت موجب شد که محمدزایی معاون اطلاعات و عملیات فرماندهی کل به پاسخگویی برآید. وی که قبلاً مسئله را "التفات" نمی نمود، گفت که مسافرت تنهایی خواهران منع قانونی ندارد! ولی خواهران از این حساسیت بردارن با اسناد نسبت به خودشان دلگیر نشوند!

جالب است که جمهوری اسلامی با بوق و کرنا به میدان آمد که از زن "کالانده" در سرما به داری عاده حیثیت کند.

البته حضرات هول کرده، اول از خود سرما به عاده حیثیت کردند. سپس گوه تبلیغات "زن در اسلام" موش زانید، کالاهان کالانده. تفاهوت در شکل بسته بندی شد. و کالانگرا نی زبانت اینست که "سالن" به محل تحویل داده شود. طرح اتوبوسهای

مراسم یادبود مبارز انقلابی احمدهاشمی

لندن: یکشنبه ۱۷ دسامبر ۸۹/

پس از درگذشت غم انگیز احمدهاشمی و انتقال جسد او به ایران، مراسمی بمنظور بزرگداشت ویادبود آن رفیق در سالن یونیون دانشگاه لندن (U.L.A.) برگزار شد.

این مراسم با همکاری بخش پزشکی سازمان عفو بین الملل و جمعی از دوستان و خانواده احمد بدوزیان فارسی و انگلیسی برگزار گردید. در این جلسه که در حدود ۴۰ نفر شرکت کرده بودند ابتدا به شرکت کنندگان خوش آمدگفته شد و سپس بطور مختصر زندگی نامه وی خوانده شد. در قسمتی از آن آمده است:

"رفیق احمدهاشمی فعالیت سیاسی را از دوره دبیرستان در شهر بایل شروع کرد در آن موقع دو هسته از فعالین سیاسی در شهر بایل فعالیت می کردند. احمد مسئولیت این دو هسته را به عهده داشت.

در شانزده سالگی هنگام فرار توسط گلوله دژخیمان ساواک شاه که بکمرش اصابت کرد فلج شد. دستگیری او و مقاومت با اعتصاب زندان قصر بود. در بیداری زندان پیشتر زخم شد و چرک شدید کرد بطوریکه همه منتظر مردنش بودند. سپس به بیمارستان شهر بایل انتقالش دادند. احمد جز آخرین زندانین سیاسی زمان شاه بود که آزاد شد و ادامه فعالیت سیاسی اش را در سازمان چریکهای فدائی خلق دنبال کرد و در مقطعسع انشعاب اقلیت و اکثریت با اکثریت همراه شد.

پس از انقلاب بعزت بیماری شدید به انگلیس آمد و پس از یکسال دوباره به ایران بازگشت. در تابستان ۶۱ با سداران بخانه او حمله کردند و ضمن ضبط یک دستگاه تاپ و کت و جزوات او را تحت فشار قرار دادند.

در ژوئن ۸۳ احمد دوباره به لندن آمد و در همان سال چهار بار مورد عمل جراحی قرار گرفت. او پس از بهبودی نسبی شروع به درس خواندن کرد ولی سانسهاش را در رشته اقتصاد سیاسی تمام کرد. چند روزی بود که دوره فوق لیسانس را شروع کرده بود که بیماریش با شدت بی سابقه ای دوباره به او حمله کرد.

روز جمعه ۲۷ اکتبر در بیمارستان همرتون هکنی لندن بستری شد و در روز بعد حین بیرون آوردن سنگ کلیه دچار خونریزی شدید شد و بدینال آن قلب و کلیه ها آسیب دیدند و دچار عفونت عمومی شد. بالاخره پس از ۱۱ روز مقامت در سرگرا ه شنبه ۱۱ نوامبر ساعت ۶/۴۵ صبح چشم از جهان فرو بست. از سال ۸۳ تا موقع مرگ احمد ۳۵ بار مورد عمل جراحی قرار گرفت.

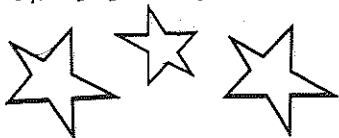
احمد از حدود دو سال و نیم پیش در پی انتقال دیسه سازمان فدائیان اکثریت از آنها جدا شد ولی همواره تا آخرین لحظات زندگی اش مسائلی سیاسی را با علاقه مندی دنبال کرد. این مراسم با خواندن تراشه مرا بیوس توسط یکی از رفقای احمد خاتمه یافت.

قتل یک جوان پناهنده در مالمو سوئد!

دشمنی آشکار با پناهندگان شده، حوادثی از این نوع در منطقه جنوب سوئد به موج گسترده نیروهای راسیست میدان می دهد.

ما تمامی تشکلهای دفاع از پناهندگان شخصیتها، احزاب و نیروهای مترقی سوئدی و مجامع حقوقی طرفدار حقوق بشر را فراموش نکنیم تا برای دستگیری و تعقیب قاتل و بی گسری این حادثه غیر انسانی که جان یک پناهنده ایرانی را گرفت، به مسئولیت انسانی عمل نماید.

خواهادران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) منطقه اسکونه سوئد - ژانویه ۹۰/

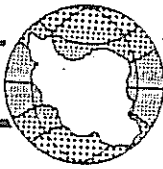


در هفته اول ژانویه امسال جوان پناهنده ایرانی بنام سیامک در جنب رستوران هسزارو یک شب با چاقوی یک فرد سوئدی بقتل رسید. قاتل توانست از محل حادثه فرار نموده و خود را مخفی نماید. این حادثه غیر انسانی جو ضد پناهندگی را دامین زده و موج نگرانیهای خانواده های پناهنده ایرانی را در سطح منطقه فراهم نموده است. دوستان سیامک علقت پناهندگی او را از خدمت سربازی و گسردن نگذاشتن به فرامین رژیم در جنگ ایران و عراق می دانند.

بیگمان با توجه به تمویب قوانین ۱۴ دسامبر دولت سوئد مبنی بر اخراج بی رویه پناهندگان از سوئد که خود موجب گسترش جو ضد پناهندگی و

دو طبقه کفایت نکرد. "اتوبوس ویژه" گذاشته شد. طرح تکمیلی هم این است که نقل و انتقالی صورت نگیرد.

* مندرج در روز ۲۳ آبان ۶۸



اجلاس حقوق بشر در اسلام

کارشناسان کمیته حقوق بشر در اسلام از ۲۵ کشور اسلامی بمدت سه روز در تهران گردهم آمدند و پیش نویس " لایحه حقوق بشر در اسلام " را تنظیم نمودند. این لایحه قرار است در ماه مه سال ۱۹۹۰ در قاهره به تصویب وزاری خارجه کشورهای اسلامی رسیده و پس از تصویب سران ، در اجرای مفاد آن ملزم خواهند بود.

محمدتقی جعفری که لقب استادی راه پیدک می کشد و از جانب ایران در این گردهما شی محبت می کرد ، در تشریح امتیازات این لایحه نسبت به لایحه جهانی حقوق بشر چنین اظهار کرد: آنچه که به عنوان لایحه جهانی حقوق بشر در اسلام تنظیم شده است حاصل تفکر دانشمندان اسلامی نیست، بلکه میراثی است که از زمان پیغمبر (ص) برای ما باقی مانده است. لایحه ۲۸ ماده ای کنونی از منابع اسلامی اخذ شده است و حال آنکه اعلامیه جهانی حقوق بشر در قرن ۱۳ میلادی در اروپا نگاشته شده است (بنابرین) تفاوت اول در تاریخ است و وضع این قوانین است. " استاد جعفری تفاوت دیگر این لایحه را در مبنای نگارش آنها دانسته و اضافه کرد که " از آنجا که اعلامیه جهانی حقوق بشر مبنای آزادی بدون قید و شرط انسان نگاشته شده است تبعیت از آن نیز تابع منفعت فردی انسانهاست و حال آنکه در اسلام ضامن اجرایی قوانین خداست ، وی در خاتمه با انتقاد از بند آزایی بیان در لایحه جهانی حقوق بشر افزود که :

" چگونه می توان برای آزادی بیان حدود مرسوزی قائل شد و اجازه داد تا به پیامبران و برگزیدگان جامعه بشری توهین و بی احترامی شود. اگرچه هنوز متن این لایحه منتشر نشده است اما اظهارات جناب استاد معلوم است که در لایحه اسلامی حقوق بشر از آزادی بیان و ضامن اجرایی حقوقی خبری نیست و بدست خدا سپرده شده است. در این اجلاس ولایتی وزیر امور خارجه رژیم و منوچهر متکی معاون ولایتی و حجت الاسلام تسخیری نیز سخنرانی کرده و از تدوین چنین لایحه ای اظهار خشنودی کردند. حجت الاسلام تسخیری از اینکه این لایحه می تواند مبنای اعتراضی به دولت هائی که مواد آنرا اجرائی کنند قرار گیرد اظهار رضایت کرد.

سران جنبش کارگزاران اسلامی تنظیم این لایحه را راه فرار مناسبی برای خارج شدن از فشار افکار عمومی و مراجع بین المللی که مداوماً ایران را بخاطر نقض وحشیانه حقوق بشر محکوم کرده اند ، یافته

چشمه مراقب «کالیندوپل»

ادامه از صفحه ۱

برسانیم ، ایشان با دیدن آنند که مردم مترقی جهان همه مستمیدگان ایران چشمه نتایج سفرا و ونحوه گزارش آن دارند و ایشان باید با کمال دقت و بسا جامعیت تمام چهره واقعی حیات سیاسی اجتماعی ایران و آنچه را که بر زندان کشور ما رفتند و اکنون نیز میروند ، گزارش کنند ، از اینرو وظیفه همه نیروها و مردم آزادیخواه است که تماس خود با این هیئت چه در حین سفر و چه بعد از بازگشت را ادامه داده و مراقب باشند .

و لذا با تمام قوا در محکم کردن و بستن و بیج و مویزه های آن تلاش می ورزند .

پوست خربزه زیر پای خامنه ای

دزدگیری اخیر جناحهای حکومتی که دولت رفسنجانی شدت زیر فشار قرار گرفته چندین بار از جانب خامنه ای مورد حمایت و تأیید واقع شد ، تا بلکه جناح مخالف دست از فشارها بردارد . وزیر خارجه رژیم ، ولایتی دوبار مجبور شد در مجلس نسبت به دعوت چاوشسکویه ایران توضیح دهد ، که بالاخره مورد قبول تعدادی از نمایندگان واقع شد ، به همین دلیل رفسنجانی در جلسه هیئت دولت برای دلداری و تقویت روحیه کابینه از یکطرف و از طرف دیگر برای انتقال از ضربه از خود به خامنه ای همه اقدامات دولت خود را به اشاره به این که ما همیشه پشتیبانی ها و حمایت های با ارزشی از ایشان (خامنه ای) داریم ، ادامه

دادند " البته توقع ما هم همین است ، چون ما عملامجری سیاستهای خود ایشان هستیم و سیاستهای آنهاست که با اندیشه و تفکرات ایشان داریم وظیفه خود میدانیم که خواسته های ایشان را اجرا کنیم ، در پایان خواست که بعضی ها قلب ایشان را مگردانند و حرکتی خلاف نظراتشان انجام ندهند.

دستبرد به کیوسکهای کیهان

در پی تداوم فشارهای حقوقی به خبرنگاران کیهان در اغلب استانها و شهرستانها و شکایت شهرداران و استانداران از کیهان که اغلب موجب دستگیری و حتی محکومیت برخی از آنها شده است ، دستبرد به کیوسکهای مطبوعاتی کیهان روش فشار دیگری است که جناح مسلط حکومتی و متولفین بازاری اش بدان متوسل شده اند. طی ۵ آذر گذشته سه کیوسک مطبوعاتی کیهان در کرج مورد دستبرد قرار گرفته است ، که در آخرین مورد شیشه های کیوسک شکسته شده و تعدادی از مجلات و کتا بهایه سرقت رفته است

کارخانجات سه شیفته خواهد شد

کیهان
حساب و کتاب
و کتاب
بای بک!

برای افزایش تولید و جنب نیروی کار بیشتر ، کارخانجات کشور باید ۳ شیفته شود .

جراید
لابد کارخانه های تولید مواد اولیه این کارخانه ها در خارج از کشور نیز ۳ شیفته می شوند ؟
به این می گویند اقتصاد به شیوه بای بک ...
محمد رضا نینا

نعمت زاده وزیر صنایع دولت رفسنجانی در باره دیدار کارخانجات اراک ، خواستار سه شیفته شدن صنایع کشور به منظور افزایش تولید و ایجاد اشتغال شد (کیهان ۱۰ دیماه)
رفسنجانی و کابینه اش که در چند ماه گذشته با ارائه ارقام و آمار خارق العاده مدعی حل مشکلات اقتصادی و بازسازی کشور هستند ، از طرف مردم جدی گرفته شده اند چرا که همه ادعاها هنوز روی کاغذ ثبت شده اند ، تا آنجا که حساب و کتاب نویس کیهان نیز با اضافه کردن سه خط به این خبر به تبلیغات دروغین و خنثی آور آنها اعتراض کرده است

دعوی جناحها پرسر چیست ؟

بازاریان محترم در مقابل تقاضاها و رفسنجانی و دولت او که پولها را در راه توسعه و بازسازی صنایع بکار اندازند و خواستار اینست که برای سرمایه های خود هستند و معتقدند که باید دولت قوانینی برای تضمین امنیت در اقتصاد کشور بوجود آورد .
این موضوع بحث داغی است که این روزها در جراید کشور منعکس است .

اداره بازرگانی بجای

ستاد بسیج اقتصادی

جمهوری اسلامی قصد دارد ستادهای بسیج اقتصادی را منحل کند. این خبر را مدیرکل امور اداری وزارت بازرگانی اعلام کرد.
بر اساس این طرح کلیه ستادهای بسیج منحل خواهد شد و بجای آنها در همه شهرها اداره بازرگانی شروع بکار خواهد کرد. با این طرح گردانندگان رژیم ضربه دیگری بر یکسازمان حزب الله و جناح تندرو رژیم که در تشکیلات ستاد بسیج اقتصادی در دوره جنگ ریشه دوانده بودند ، وارد می کند و سمت آزادی قیمت را در توزیع حرکت خواهد کرد. البته رژیم برای دلجوئی طرف مقابل اعلام کرده است که ۵۰۰ نفر از جانب زان و خانواده معظم شهدا در این ادارات استخدام می کند



قدرت طنز

آدمها ز منحه
درآمد!

ذکر نمونه‌ها بی‌اثر کرد اما ز کلیات سعدی نیسبزی
می‌توانند مطلب را روشن تر نما بد:

طنز:

در میرو و ز ویروسلطان را

بی‌وسیلت مگر دپیرا من

سگ و چوپان و چوپا فتنه غریب

این گریبان نشی گیره آن دامن

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیمی

برآوردن غلامان او درخت از بیخ

به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد

ز نندلشکریا نش هزار مرغ به سیخ

مجو:

الحق امتای مال ایتم

هم چون تو حلال زاده با یبند

هرگز زن و مرد و کفر و اسلام

نفس از تو خبیث تر نزا یبند

اطفال عزیزنا ز بی‌سرورد

از دست تو بر خدا یبند

طفلان ترا پدر میسرارد

تا جور روحی بیا زما یبند

هزل:

خواستم تا ز جلی گویمت از روی قیاس

با ز گویم نه که صد باره از آنحن توری

ملخ از تخم تو چیزی نتواند که خورد

توسم از گرسنگی تخم ملخ را بخوری

طنز، هجو و هزل به علت جنبه انتقادیشان، موجز

بودنشان و امکان انتقال شفا هی آن‌ها درجا معه

دیگتا توردند ما که با رصدا سال دیگتا توری و ستم

و جهل را بردوش می‌کشند و تنها گاه به گاه خلق را مجال

نفس تازه کردن بوده است و خنده نه برای شادایی که

به منا به سلاحی علیه ستم و غم، جهل و فریبکاری بر

لب‌ها نشسته، از محبوبیت بسیار برخوردارند،

قهرمانان شهیر آثار طنز مانند، ملانصرالدین،

بهلول، جحی و کچل همپای سایر قهرمانان ادبیات

مردمی رشد کرده و در میان قلوب توده‌ها راه یافته

اند، لطایف و هجویات عبیدمانند شعرا فقط دهان

به دهان و سینه به سینه انتقال یافته و گاه به سینه

ضرب المثل تبدیل شده است، بعنوان نمونه این

جایگاه می‌توان به سیر تحول طنز و گونه‌های مختلف

آن در جنبش اخیر ایران پرداخت. همانگونه که

همگان می‌دانند بسیاری از شعراهای جنبش بویژه

آن‌ها را که به سرعت همه گیر می‌شد، طنز تشکیل میداد.

این شعراهای سیاسی همپای تحولات سیاسی جامعه

تحول می‌یابد و خود موجب تحول می‌گردد و این قدرت

طنز است که گاه حتی می‌تواند سال‌ها نبد و

تغییرات جدی در روند حرکات اجتماعی ایجاد

نماید، اینکه چرا طنز در این دوره بیشتر شفا می‌یابد

و جنبه ادبیات مردمی دارد، را با بدرشرا بی‌سط

اختناق زمان شاه و شور و هیجان روزهای جنبش

جستجو کرد، برای مثال می‌توان این شعرا را ذکر

کرد:

«اها ری گوسا له، ای سگ چارستاره، با زمبگو

نواره، نواره که با ننداره، نواره که دست ننداره»

«بختیار، بختیار، نوکریی اختیار»

«ما می‌گیم شاه نمی‌خوایم، نخست وزیر عوض می‌شه»

«ما می‌گیم خر نمی‌خوایم، با لون خر عوض می‌شه»

«مدمد ما غ نفتی، چرا گذاشتی رفتی»

پس از فرو نشستن امواج جنبش و در اولین روزها

که تازه صدای پای آزادی‌میا مدودسته‌جات چماق‌دار

نتوانسته بودند همه چیز را در هم بکوبند، روزنامه

های طنزانتشار یافتند و چون سنگری استوار بر سرای

دفاع از آزادی و کوبیدن سنگرهای استبداد

و دیگتا توری و جهل و فریب‌بری ایستادند که از

آن جمله می‌توان از نشریه طنز «آهنگر» نام برد.

متاسفانه این وضع چندصباحی بیش نماند، دسته

جات چماق‌دار قدرت گرفتند و همه چیز را به خاک و

خون کشیدند.

اما طنز، طنز مبارز و عصیانگر از لابلای روزنامه‌ها

به قلوب مردم راه گشود و به عنوان شیوه‌ای مبارزه

در دوران شکست و سرکوب‌پذیرا فراشت، هیچ کس

نمی‌تواند منکر آن شود که طی چندسال اخیر که موج

سرکوب و قدرت‌آهریمنی دیگتا توری کوچکترین

نشانی از آزادی باقی نگذاشته، دوران شکست و

پاس‌فرا رسیده است و دولت هرگونه حرکتی را با

شدیدترین وسایل به خاک و خون کشیده و سرکوب

می‌کند، طنز به مثابه یک سازمانده، یک بسیج‌گر

به عنوان شکلی از مبارزه همگانی قدرت‌مهییب

خوبی را به رژیم ضد مردمی نشان داده است. هر لطیفه

و طنزی که علیه سران رژیم و یا حرکت فدمردمی

آن‌ها ساخته می‌شود هم چون یک اعلامیه یا بیانه

حتی مرزهای کشور را به سرعت در می‌نوردد، دهسان

به دهان پرواز می‌کنند، حول خود نیرویی گرد می‌آورد

این نیرو را بسیج می‌کند و در آن روح امید و مبارزه

برمی‌انگیزد، لبی را به خنده می‌گشاید، سری را از

زانوشی برمی‌گیرد، خشمی را می‌شکند و منشی را گره

می‌کند. شگفت نیست که لطایف عبید بعد از گذشت

چندصدسال سینه به سینه نقل می‌شود و هر کس بسسه

مقتضای زمان نامشخصیت‌های آن لطیفه را تغییر

می‌دهد، اما جوهر عصیان آن باقی می‌ماند و قدرت

شگرف خوبش را در میان توده‌ها به معرض نما

می‌گذارد.

طنز در جوهر خود سیاست حتی هنگامیکه به مسائل

فردی و پیش‌پا افتاده می‌پردازد و سرتیگرا مسلا

سیاسی دارد، چنانکه شاه هنگامیکه «رفت و منتظری

زمانیکه از ولایت عهدی برکنار شد، از گردونه طنز

مردمی خارج شدند، حکومت‌ها و اشراف هم‌به هم‌پس

سبب تلاش نموده اند تا این حربه را به خدمت خود

درآوردند، وجود لفق‌ها در دربارها و گوناگون

نمونه‌ای از این تلاش می‌باشند، رضا شاه نیز پس از

سرکوب جنبش‌های خلقی در خراسان و کیسلان

و آذربایجان و کردستان و بر بستر تاملات شوپیتی

خود سعی کرد تا این سلاح را به سوی مردم بازگرداند

و بی‌بهره نبود که لطیفه‌های بسیار بویژه علیه

خلق‌های مبارزان این منطقه‌ها در بین مردم گسترش
داده می‌شد.

طنز به عنوان مضمون محوری خویش همواره علیه
دیگتا توری و استبداد و جهل و فساد استیز بر خاسته

است. ما بر مفاصل عمده طنز بنا بر شرایط حاکم
تعیین می‌شده و نقاط اوج آن در دوران شکست و

تدارک برای خیزش مجدد است و قدرت بسیج‌گر آن
از همین جا ناشی می‌شود. در عصر استیلای خونبسا

مغولان، غلامبارگی، مردبارگی و زوربارگی گسترش یافته
وزاهدان، محتسبان، گزمنگان و فقیران فرمسان

میرا نند و لذا عبید، سعدی و حافظ با همین عمال و
مظالم‌هاست که به نبرد می‌خیزند:

شنیدم که بیوه زنی دردمند

همی‌گفت و رخ بر زمین می‌شاید

هر آن کدخدایا که بر بیبویه زن

ترحم‌نیا شدنش بیبویه با د "سعدی"

زاهدان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند

چون به پنهنان می‌روند آن کاردیگری کنند

"حافظ"

محتسب کون برهنه در بار

تعبه را می‌زند که روی بیپوش

"سعدی"

آن را که داده اند همدین جا ش داده اند

و آنرا که نیست وعده به فردا ش داده اند

"عبید"

در دوران استبداد قاجاریه و سرکوب جنبش‌های

مردمی در سراسر ایران و در زمانیکه خلق برای جنبش

مشروطیت تدارک می‌بیند با ردیگر طنز مردمی

دیگتا توری و جهل، عمال حکومتی، السلطنه‌ها،

الدوله‌ها و والدین‌ها را به تازیانه طنز می‌بیند.

روایت می‌کنند که زمان محامره قلعه شوشا توسط

آقا محمدخان قاجار، شاه مردمی ملاینا هوا کشف

اشعاریه به طنز سروده و با تیر به میان لشکرو پرتاب

می‌کرد که بلافاصله و در زیا نها می‌شد، پس از سقوط

قلعه دستگیری شاه، شاه فرمان می‌دهد که با بسد

با لبدا ه شعری در وصف من بسراش که کاکا ملایسا

حقیقت مظالم بقوت داشته باشد شاه عزمی را بد:

نه فرتورا که مدح عالیت کنم

نه فضل تورا که شرحا لیت کنم

نه ریش تورا که ریشخندت سازم

نه خایه تورا که خایه مالیت کنم

آقا محمدخان اخته "و" بجی مظفر "زالقا بسی

است که مردم به سران حکومت می‌دهند، چرند و پرتند

دهخدا و روزنامه نسیم شمال و اشعاریه میرزا علی‌اکبر

ما بروکتاب معروف وی هوب هوب نام همه سرشار

از طنزی گیرا علیه ستکماران، السلطنه‌ها و والدین‌ها

است.

در دوره استقرار مجدد دیگتا توری و سرکوب

جنبش‌های خلقی در زمان شاه بویژه آثار رسا دق

هدایت مظالم و جهل و خرافات چون "حاج آقاها"

"لکا ته‌ها" و پیرمردهای خنزر پنزری "و آقا محمد

علی‌فراشته "با زاریان"، "کافرماها" و "خان‌ها"

بقیه در صفحه ۸

سرما به داری در حکم ساختن آن سیستم اجتماعی اقتصاد است، که سوسیالیسم را بنا بر آن در مقایسه قرار دارد، سوسیالیسم یعنی آن سیستم اجتماعی خود ویژه در رویا رویی با آن سازمان می یابد. همزمان سرما به داری چون سرچشمه ای که اشکال نوین مناسبات اجتماعی در آن زاده می شود تجلی کرده، از آنجمله چنان مناسباتی که در خصلت خویش یا سخگوی منافع زحمتگشان بوده و می توانست در جا مع سوسیالیستی بکار گرفته شوند.

در نظریات شوروی بارها از وجود توازن بین در

در حیات اقتصادی اتخاذ کردید، از جمله این اقدامات - کاهش فعالیت های اقتصادی کسبه مستقیماً توسط دولت انجام میگرفت و بازنگری در قوانین اقتصادی پیش بینی کننده تنظیم زاید بود. همچنین خصوصی کردن موسسات بطور گسترده ای صورت گرفت - فروش وسایل تولید موجود در دست دولت به افراد خصوصی و یا موسسات آنها، در حقیقت تا کنون انطباق مناسباتی بین دخالت دولتی در روند اقتصاد و شکل آزادانه یاری بس دست نیا مده است.

بسیوی مفهوم معاصر سوسیالیسم (۲)

مسائل نظری :

تربیبون بحث پراودا

در تبیین سرما به داری معاصر، مندرج در نظریات، بارها، مخصوصاً اصل شمریخی اقتصاد سرما به داری بیش از اندازه مطلق گردیده است اما طبقه سرما به داری را نه تنها علاقه مند به سود آتی خویش نبوده، بلکه در مدد حفظ تقویت دولت متعلق به خویش نیز هستند، نمی توان کلاً ملاحظاتی اجتماعی ثبات را نادیده گرفت، در واقع به آن در بسیاری از کشورهای سرما به داری، برینا مریزی "استهلاک اجتماعی" اهمیت زیادی کسب کرده، پیشینه های توزیع مجدد بخش از درآمد ملی با هدف کاهش تا ثیرات منفی در مناسبات اجتماعی طبقات و گسست مادی جامعه را نه شده، در سالهای هفتاد در بسیاری از کشورهای پیشرفته سرما به داری در نتیجه مبادی طولانی و سرخستانه زحمتگشان در دست - یا بی حقوق خویش، سیستم تا مین باز نشستی بیمه بیکاری، حفظ سلامتی، بر اساس پرداخت حقوق عضویت از جانب بیمه کنندگان - که کارفرمایان و دولت وضع شده، در بسیاری از موارد از تجربیه کشورهای سوسیالیستی بهره گرفته بودند.

در اوایل دهه های هفتاد به علت مشکلات مالی، تا مین آتی افزایش مصارف اجتماعی غیر ممکن گردید. وضعیت جدیداً اقتصاد، زمینفع بودن طبقه کارگر را در حمایت از خواست قابل پرداخت با کمک مصارف اجتماعی را یک مرحله به عقب انداخته.

نتیجتاً در اوایل سالهای هشتاد دهم مصارف اجتماعی در اکثر کشورهای سرما به داری پیشرفته متعادل شد و یا کاهش یافت.

در دهه اخیر دیگر گونیه های زیادی در ساختار تکامل اجتماعی جو مع سرما به داری رویداد، که یکی از اژواهد آن "بحران اشتغال" بود. علت این تشدید هر چه بیشتر انتقال تولید اجتماعی بنسبه پایکا تکنولوژی جدید صرفه جویی در کار، جایگزینی کار پیچیده با ساده بود. هنگام بررسی سرما به داری معاصر جای دارده که ملاحظاتی بین المللی شدن سرما به داری و تولید را در نظر گرفت، یکی از نمودهای این پروسه، رشد شدید سرما به فرا ملیتی - انحصاری است. بین المللی شدن تولید با گسترش وسیع

مناسبات بازاری سرما به داری سخن گفته اند. وقوع بی ثباتی ادواری رشد اقتصاد، سیستم ناعادلانه تقسیمات اجتماعی، اولویت منافع انحصارها بر منافع جامعه و غیره، با این حال اقتصاد بازاری سرما به داری از پتانسیل های بالایی برخوردار است. رقابت، تولید کنندگان منفرد را و امیداً در جهت دریافت سفارشات با یکدیگر مبارزه کنند. در روند مبارزه آنها، بسبب موازات و ورشکستگی ضعیف ترها و کم تدبیرها، بهبود کیفیت کالاها صورت می گیرد، زیرا کیفیت کالا، پیش شرط تعیین کننده ای برای حراست بازار و دریافت سفارشات جدید محسوب میشود. افزایش با زدهی تولید، تلاش جهت کاهش هزینه های نیروی کارگری به هر وسیله که امکان دارد، از اینجا ناشی میشود.

بمنظور جبران نیروهای خود بخودی بازار در تمامی کشورهای صنعتی و پیشرفته سرما به داری قرن بیستم، اهرمیای اقتصاد دولتی بطور واقعی گسترده شده بود. فعالیت و تنظیم دولتی، در نتیجه سرما به داری دولتی - انحصاری بوجود آمد. مگر نیز ما اقتصاد، در آمیزی شکل بازاری و دولتی اقتصاد سرما به داری، نتایج محسوس اقتصاد بنسبه دنبال داشت سرما به داری توانست انقلاب تکنولوژیکی را "زین کرده" (بر انقلاب تکنولوژیکی سوار شود - مترجم)، نوسازی ساختاری کل مکانیزم تولید را شروع کند و رشد افزایش با زدهی را تا مین نماید.

اما در نیمه دوم سالهای هفتاد در اکثر کشورهای پیشرفته صنعتی، دامنه نوسانات اقتصادهای زدهی به دوره دیگری افزایش یافت؛ پروسه های تورمی توسعه یافت که افزایش بیکاری را به همراه داشت؛ روند پیدایش بازارهای جدید متوقف شد، افزایش سرما به گذاری و میزان با زدهی کار را زشتا با افتاد مسلم گردید در دور جدید، دولت که دخالتش در اقتصاد سابقاً همچون درمانی برای تمامی دردها ارزیابی میشد، خود در نقش عامل بی ثباتی ظاهر میگردد. یکی از دلایل، که بطرز باور نکردنی رشد کسب و بوروکراسی پیشرونده بود، که حیات اقتصاد اکثر کشورهای سرما به داری پیشرفته را از نفسانیت انداخت. به همین علت تصادفی نیست، که در بسیاری از کشورهای تدا بیری در جهت محدودیت دخالت دولتی

اوما تیزاً سیون انعطاف پذیر که تا مین کشنده سریع تنظیم تولید مواد خام کم حجم بود، تحرک یافت این امر امکان ایجاد تولید با طراز اوما تیکی با لارا رفترا هم آورد، در این صورت، ضرورت برپایی موسسات فوق العاده بزرگ در کشورهای جدا گانه چنانچه قبلاً بود، منتفی میشود.

سطح کنونی وسایل تکنیکی خیری آنچنانسان است که امکان اداره موسسات موجود در کشورهای مناطق مختلف دنیای سرما به داری را بوجود می آورد و با بهره گیری از ماشین های حسابگر الکترونیکی و ارتباطات تصویری و فضای کنونی که بر تولید و فروش آگاه بوده، و تشریح کننده سودآوری و مقرون به صرفه بودن تولید در تمام بخشهای آن هستند، امکان تصمیم گیری و تنظیم برنامعه عمومی تولید و فروش در مقیاس جهانی را فراهم آورد.

تمامی اینها امکانات جدیدی برای شرکتیای فراملی در مقایسه با موسسات ملی معمولی، حتی بسیار کلان آنها بوجود آورد. شرکتیای فراملی امکان می یابند بدون احساس محدودیتی از لحاظ چهارچوب ملی و مرزی، هرجا برای ایشان سودآور است، سرما به گذاری کنند.

اختلافات بنیادی سرما به داری و سوسیالیسم با اشکال مالکیت و خصلت قدرت سیاسی مشخص میگردد با وجود تمامی این اختلافات هر دو صورت بنیادی اجتماعی - اقتصادی متعلق به یک تمدن بشری هستند.

برای تمدن جهانی و آخر قرن بیستم، با همه تفاوتهای منطقه ای، یک سری صفات و علائم طبیعتاً مشترک؛ تکنیکی، سیاسی و فرهنگی از آنجمله؛ سطح قابل انطباق رشد صنعتی؛ بکارگیری اشکال گوناگون مناسبات پولی - کالایی و تعدادی اصول مشابه در سازمانهای اجتماعی، اعتراف به ضرورت حمایت از مصونیت فردی و وجود ارد. تلاش فزاینده ای جهت حل مشترک مسائل جهان معاصر حراست محیط زیست، جلوگیری از درگیری هسته ای و تا مین امنیت بین المللی، میسازد با عقب ماندگی اقتصادی، گرسنگی، بیماریها و غیره. مشا هده میگردد.

البته، هر صورت بنیادی صفات ماهوی خویش را دارد راست، اما این صفات، همکارایی معیسن دویستم را نفی نمی کنند. مسایل اصلی موجود در مقابل جامعه جهانی با نظر داشت تمامی اختلافات گوناگون سرما به داری و سوسیالیسم را میتوان در موارد زیر توضیح داد:

- رشد اقتصاد در پاره های افزایش کارایی تولید؛
- تلاش در راه رسیدن به میزان بالای با زدهی کار؛
- تلفیق موثر تنظیم دولتی و رشد مناسبات کالایی بازاری؛
- همگرایی و بین المللی کردن تولید؛
- حمایت از تا مین اجتماعی شهروندان؛ دکر اتیزه کردن زندگی؛

بسوی مفهوم معا صر

ادامه از صفحه ۷

برسمیت شناختن نقش مشترک ارزش های انسانی در رشد فرهنگ .

کلیه این مسائل دارای سرشت مشترک مدنیت است که خود را بیده سطح تکامل جامعه کنونی است . یکپارچگی و وابستگی متقابل جهان معاصر ، اولویت منافع تمامی بشریت بر منافع طبقاتی نیا و مشترک انسانی کردن زندگی اجتماعی در تمامی ابعاد ملی و بین المللی آن ، تحلیل واقع بینانه مسائل جهانی و کاهش راه های جدید پیشرفت - همه این وظایف بسیار جدی و کاملاً نوین را در بردارد بشری فرا روی ما قرار میدهند . منافع و نظریات مشترک (در مورد صلح و امنیت ، محیط زیست ، حقوق بشر ، رشد ملی و منطقه ای و غیره) از ارجحیت برخوردارند در نتیجه ما س قرا بت در سا زمانه های زندگی داخلی در سیستم اجتماعی ، فرهنگ و روان شناسی آنها در نموده های از اینگونه ؛ چون کمال و قابل دسترس بودن اطلاعات ، ارتباطات ترابری و اطلاعاتی بیگانه ، سیستم و احداثت بین المللی ، درک و حمایت مشترک از حقوق و منافع فردی ، محو و پیشگیری از جنگها در تمدن کنونی و آینده با زتاب می یابند .

با اتکا استوار بر مواضع تاریخی - ماتریالیستی ما بایستی به شیوه ای نوین به مسائل تمدن بشری و صورت بندیها در جهان کنونی بنگریم . با حفظ تمایزات سیستماتیک و ملی موجود ، خسود و ویژگی دولتها و خلقها ؛ خطوط اصلی جامعه تمدن رشد وابستگی و منافع متقابل آنها ، تحکیم همکاری متقابل مشترک صلح و انسانی کردن تمامی جوانب حیات اجتماعی هر چه رسا تر آشکار میگردد میتوان ادعا کرد که انسانی کردن مناسبات اجتماعی نه اتفاقی ، نه موقت ، بلکه هدفی مشترک و همیشگی در رشد بشریت چون تمدنی بیگانه محاسب میاید . هر مورخیندی - تنها مرحله ای در پروسه این تکامل است . در این روند ، سوسیالیسم بهترین های موجود در تمدن معاصر را جذب می کند .

بهر حال ، تنها بد فرا موش کرده سوسیالیسم -

دهد . تنها در مرحله بعدی است که سخن می تواند ، بر سر مطالبات اصولی (عدالت اجتماعی بیشتر ، برابری بیشتر ، دموکراسی ، علینیت و غیره) باشد . اما در اینصورت بافت ها و مکانیزم های معینسی که قرار است فا من اجرای اصول و مطالبات باشند ، مطلق نیستند .

البته این سئوال پیش می آید ، که کلاتا چه اندازه راه ساختمان سوسیالیسم صوجه است ؟ تصور می رود که راه مدلیهای طرح ریزی شده تجربه ای مثبت از " بهترین صفات جامعه " بسه سادگی بسوی دگما تیزم می رود ، اگر شناخت جامعه سوسیالیستی به نحوی از انحا " از بالا بلاغ شود " و سرچشمه آن از زندگی ، از واقعیت های روابط براتیک احتمالی نباشد ، بنظر میرسد برخورد واقعگرایانه تر عبارت باشد از ، پژوهشها و سیدر مناسبات جاری انسانی ، در جوهر خواست ها و منافع گروههای اجتماعی ، برخورد ها و همکاریهای آنها و در بررسی تضادهای واقعی جامعه .

بدیگر سخن ، درک نوین سوسیالیسم نباید با دورنمای رشد جامعه که وظایف امروز هستند در دور و قرار گیرد با لکس ، همانا مقتضیات زندگی سیاسی جامعه ای را که پروسترویکا در تلاش ایجاد

آنست ، معین خواهد ساخت هر برداشتی از سوسیالیسم ، قبل از هر چیز باید تا مبنی کننده معیار سوسیالیستی بودن را که تحت آن میتوان اولهیت انسان ، خواست ها و منافع او را درک کرد ، باشد . سوسیالیسم - نظامیست که انسان را از ظلم و استثماریها رها می بخشد ، او را در کانون توجه زندگی اجتماعی قرار داده ، موجبات رشد آزاد هرکس را در شرایط رشد آزاد همگانی بوجود می آورد . هنگامیکه درباره رهائی انسان از رنج سخن می گویند ، اغلب آنرا محدودیه استثماریاقتصادی انسان از انسان کرده و تقریباً از رهائی سیاسی و ستم اجتماعی او چیزی نمی گویند . در صورتیکه استثماریستم گری یکی نیستند ، در استثماریستم سخن بر سر تصاحب محصول اضافی است که توسط یکی گرد آمده و دیگری آنرا تصرف می کند ، اما ستمگری - در مورد سرکوبی و تصاحب اراده شخصی است

جامعه انسانی در سوسیالیسم عهده دار تا مبنی بنیادهای اقتصادی آزادی هر فرد و هر شهروند است ، که بدون آن سوسیالیسم ممکن نیست و دموکراسی سوسیالیستی واقعی امکان ندارد . بنظرمی رسد که تغییر شکل دموکراسی

سوسیالیستی نه تنها مربوط به سواستفاده از قدرت است ، بلکه ریشه در ویژگیهای اقتصادی سیستم اداری غیر مانده می دارد . در شرایط حاکمیت بلا منازع شکل دولتی مالکیت ، اشکال پیشین استثماری وجود دارند ، اما امکان فردی وجود دارد ، آخر ، کیش شخصیت ، غصب حکومت و اشکال توتالیترانیستی رهبری در کشورهای مختلف سوسیالیستی ، همانا در ما س خویش دارای شکل دولتی مالکیت استوار بر وابستگی اقتصادی و در نتیجه سیاسی فرد بودند .

ادامه دارد

مرحله ای انتقالی به کمونیزم بوده ، اما نتیجه این رشد نیست . در این رابطه روشن است که سوسیالیسم نمی تواند در این آنچنان خطوط و فرایض محتوم و بسته باشد ، که آنرا بی عنوان صورت بندی ایزوله شده ای جدا میکند ؛ قبل از هر چیز اینها خواهد (گرا یشات) رشد یافته جامعه آینده و اشکال انتقالی به مرحله عالی تر تمدن هستند . در اینجا ضرورت تبیین کاملتر ، همه جانبه تر مفهوم سوسیالیستی جامعه ، سیمای نوین آن که ما بسوی آن روانیم ، بدیدار می شود .

مدل لنینی سوسیالیسم مهمترین منبع برای تفکر کنونی سوسیالیسم محسوب میشود ، اما مراجعه به آن بایستی از خطی خلاق برخوردار باشد ، نیایستی در نزد لنین بدنبال پاسخهای آماده به مسائل معاصر گشت

این پاسخها را علم و عمل رزانه ما ، کمونیست اتحاد شوروی با جمع بندی دستاوردهای علم ویراتیک بیا میدهد . تکامل خلاقانه آموزش لنینی سوسیالیسم ، در اسناد دپلنومهای کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی نوزدهمین کنفرانس در سخنرا نیهای م . س . گوربا چف منعکس گردید . در آنها تا بلوی واقعی سوسیالیسم معاصر ، سوسیالیستی که پروسترویکا بسوی آن روانست - دموکراتیک ، انسانی بر پایه دستاوردهای نوین پیشرفت علمی و فنوی و علوم رهبری ترسیم شده است .

اگر در مقابل جامعه ، وظیفه بخشیدن " امروز ترین شکل به سوسیالیسم ، که با شرایط و مطالبات انقلاب علمی فنی کنونی منطبق بوده و رشد مقبول جامعه شوروی را تا مبنی کند " (م . س . گوربا چف ، اکتبر پروسترویکا انقلاب ادامه دارد ، مسکو ، ۱۹۸۷ ، صفحه ۳۱) قرار دهیم ، در نتیجه لازم است ، قبل از هر چیز آرمان سوسیالیستی را دقیقاً مشخص کرده و سپس به آن جامعه عمل ببوشانیم .

بینش نوین سوسیالیسم عبارات زچیتس آریسا می بایستی دارای ساختمان دامنه داری باشد که تعیین کننده عناصر ساختاری جامعه آینده است یا تنها فرایند مشترک مطالبات ، اصول و موازین است ؟ در وهله اول بینش نوین سوسیالیسم وظیفه دارنده بنای نوین ، ویژگیهای هر چند مقدماتی اما به اندازه کافی پرمضمون . در عرصه اقتصاد سیاست ، ایدئولوژی ، بخشیده ، تشریح و توصیفی از ساختاری که قرار است در عمل تحقق یابد ، بدست

روزتا بنیانی ترین و پشت پرده ترین آنها را به صحنه می کشاند .

طنزاً میبود لگرمی می بخشد ، خنده بر لب ها می نشاند تا سکون و غم برود و حرکت و پویایی بیا غازد .

طنز بر تضاد استوار است ، هرگونه تضادی را مسود توجه قرار می دهد ، محروم ترین و شکست خورده ترین افراد در مقابل با خشن ترین و قدرتمندترین - دیکتاتورها ، دست و پا چلفتی ترین فرد در پیچیده ترین سیستم بوروکراسی ، ساده لوح ترین روستایی با زیرک ترین شهری .

طنز موجز و کوتاه است و گاه حتی در یک کلمه خلاصه می شود و به این لحاظ شعرا است .

طنز سنگری برای بسیج و سازمانگری قدرتمند است .

قدرت طنز

ادامه از صفحه ۶

را به مردم معرفی و رذائل آنان را بر ملا می زند . بنا بر شواهد تاریخی و از آنچه گفته آمد می توان ویژگیهای طنز را چنین بر شمرد :

طنز از آئیده شرایط اختناق و دوران شکست و تدارک است .

طنز در جوهر خود سیاسی و عمیبا نگر است ، عصیان علیه پیدا دگری ، چهل ، سکوت و سکون .

طنز مسائل اجتماعی را مورد توجه قرار می دهد .

طنز خصائل انسانی را ستایش کرده و رذائل را رسوا می سازد .

طنز جسور و بی پرواست و از حدترین مسائل سیاسی

برعلیه کودکان

ادامه از صفحه ۱۲

از آغاز قیام "انتفاضه" بنا به گزارش دولت اسرائیل ۵۰۰ کشته به جای مانده است. قیام کنندگان این رقم را ۶۰۰ نفر برآورد می کنند. بیش از ۵۰۰ تن از شهدا کودکان زیر ۱۶ ساله بوده اند بنا به گزارش حقوق بشر در اسرائیل، ۲۰ نفر از کشته شدگان کودکان بین ۱۲ تا ۱۴ ساله هستند البته این آمار شامل بیش از سی شیرخوارهای که بر اثر گاز اشک آورنده کشته شدند نمی شود. وزخمی ها به حساب نیامده اند.

از طرفی دیگر کودکان فلسطینی بی محابا می جنگند از پنجره ها می پرند، از با مهابالامی روند و... در بیمارستانها چه با سر با زانی را می توان یافت که از ناحیه دست و پا بوسیله سنگ و چوب توسط کودکان زخمی شده اند، سنگ انداز وسیله دیگری است که کودکان بکار می برند. بیش از یک چهارم زخمیها را کودکان زیر ۱۶ ساله تشکیل می دهند. در روستای "باطیر" با کودکی صحت می کنیم که تازه از زندان آزاد شده او ۱۵ سال بیشتر ندارد. سیزده ساله بود که دستگیر شد و دو سال در زندان مانده اومی گوید "باز هم هیتلر بهتر بود" و ادامه میدهد "قبل از اینکه یهودیان بر ما حکومت کنند می کشم و کشته خواهم شد" و سادش با گریه اضافه می کند "من نیز با او کشته خواهم شد مادر تعریف می کرد که پس بزرگش را به این بیانه که از رهبران قیام است ۵ روز در زندان شکنجه داده بودند، وقتی او را دیدم کاملاً مریض بود و برادر بزرگتری گوید "در روستای مجاور برای استقرای ارتش روستا به محاصره درمی آید، در طی سه ساعت ۵ نفر کشته ۲۰ نفر زخمی و ۸ نفر مجروح به جای می ماند."

ضدای آژیوی حرکت یک گروه نظامی را اعلام می دارد. مردان جوان و کودکان بزرگ از خانه ها بیرون می روند، دوجیب در خیابان اصلی در حرکت است و سربازان آماده شلیک، پس از مدتی درگیری آغاز می شود، مادر می گوید "اگر پسر نبودم ده بجبهه می زاشیدم و به همراه آنان برای آزادیمان می جنگیدم". آمار تولد، بعد از شروع قیام نزد فلسطینیان ساکن نوار اشغالی ۲۵ درصد با لاف شده است نزدیک غروب، صدای طبل، صف جمع ارتش خلق را اعلام می دارد. همه جمع می شوند، جوانترینشان به زحمت سه سالش می شود و نینسنگ انداز است. مسخرها چماق بدست دارند. جوانی پرچم خونین فلسطین را به اهتزاز درمی آورد، پرچمی که هفته پیش جنازه شهیدی ۱۲ ساله را در آن پیچیده بودند، دختران و زنان نیز به جمع ملحق می شوند همه با هم سرود خلق فلسطین را می خوانند و بنند آخر آنرا تکرار می کنند "به ما سلاح بده و جانمان را بگیر". بر اعلامیه ها نوشته شده "سنگ راه را به طرف جنگ مسلحانه سنگفرش می کند."

اتحادیه های جدید در کره جنوبی متحد میشوند

کارگران کره جنوبی برای نخستین بار انجمن ملی اتحادیه های مستقل و دمکراتیک (Minjok) را تشکیل می دهند. کارگران علیرغم پیش بینی سرکوب قریب الوقوع توسط دولت نسبت به نیروی حاصله از این اتحادیه اعتماد به نفس دارند. این انجمن که از اوائل بهار به کار شروع می کند، متشکل از ۱۲ نماینده از ائتلاف های محلی اتحادیه به های عضو Minjok خواهد بود این نمایندگان از کارگران فلزکار، کارکنان ناغل در مطبوعات، تکنسین ها و کارگران بیمارستان - همچنین نمایندگان از کلیسای طرفدار "زحمت و کسار" گروه های محلی و دانش آموزی - خواهند بود. اتحادیه های عضو Minjok یک فرق اصلی با سایر اتحادیه ها دارند و آن اینست که تحت نفوذ دولت و کارفرمایان نیستند (در کره جنوبی نفوذ دولت و کارفرمایان یک امر عادی شده است). اتحادیه های مستقل هنوز در اقلیت هستند از ۶۰۰ اتحادیه موجود ۱۰۰ اتحادیه مستقل هستند. حدوداً تعداد کارگران کره ۱۰ میلیون است و از این

تعداد ۱/۶ میلیون کارگر عضو اتحادیه اند که حدود ۳۰۰/۰۰۰ (سیصد هزار) نفر از آنها عضو اتحادیه های مستقل هستند. افزایش حقوق بطور متوسط در حد ۲۵٪ در سال اخیر یکی از دستاوردهای مهم فعالیت اتحادیه های مستقل است. با اینکه این انجمن ملی هنوز قانونی نیست ولی فعالیت اصلی انجمن بر روی جلب حمایت توده کارگران متمرکز شده است و فعالیت در جهت قانونی شدن قدم بعدی است در نیمه اول سال ۱۹۸۹ حدود ۲۰۰ نفر از فعالین انجمن دستگیر شدند بسیاری دیگر مجبور به مخفی کاری شده و سایر فعالین از طرف راست گرایان تهدید میشوند. در ماه سپتامبر دولت و تفسیر از فعالین توسط دست راستی ها مجروح و در بیمارستان بستری شدند که نظاهرات ۱۵۰۰ نفره حمایت از انجمن در ایالت "ماسان" برپا شد. کارگران الکترونیک زن (با کارگران زن الکترونیک) کارخانه های رهاسده را هنوز در اشغال دارند این کارخانه متعلق به کمپانی آمریکاست

تغییرات درسیاستهای دولت چین

"اقدام اخیر دولت چین در مورد نفوذ حکومت نظامی در پکن، آخرین گام رهبری این کشور برای عادی نمودن روابط اقتصادی با غرب و یا به بیان دقیق تر آخرین اقدام برای ازمیسان برداشتن موانع سیاسی بر سر راه روابط اقتصادی معمول با غرب بشمار می رود. این اقدام اساساً کناره های اقدامات دیگری صورت گرفته است که مروری فشرده بر آنها برای داشتن یک تصویر عمومی خالی از قایده نیست

در زمینه اقتصادی؛ سیاست عمومی رفرمهای اقتصادی ادامه خواهد داشت، اما کنترل بیشتر بر رونددهسای اقتصادی، و به ویژه اتخاذ اقداماتی که پاسخ اقتصادی به مسئله گسترش نابرابری، فساد و غیره بدهد، نیز در دستور کار قرار می گیرد. این شاید مهمترین درس رهبری چین از "بحران پکن" است. اینکه نوسازی اقتصادی نباید بدون توجه به عواقب منفی آن یعنی گسترش نابرابری اجتماعی ادامه یابد، بلکه می بایست در کنار سیاست مزبور، تصمیمات جدی تری برای مقابله با عوارض منفی گسترش مکاتیمهای بازار در سطح اقتصاد گرفته شوند.

در زمینه سیاسی؛ مبارزه با زیر با گرفتن نقش رهبری حزب "فسادیدولوژیک" و بی توجهی به ارزشهای سیاسی و معنوی که حزب کمونیست خود را مدافع آنها می شمارد و نیز تحکیم کنترل حزبی بر موسسات اقتصادی، وزارتخانه ها و حتی افزایش شدید دخالتهای دولت مرکزی در نواحی، خطوط اصلی رفرمهای سیاسی متکوس به شمار می روند. آنچه که اطلاعات اقتصادی و سیاسی فوق بنده خوبی نشان می دهند این است که رهبری چین در مورد عواقب منفی رفرمهای اقتصادی اکنون توجه و حتی هشاری نشان می دهد و در خورد نتایج ناشی از بی توجهی به عدالت اجتماعی که در

"جریان بهار پکن" در اعتراضات کارگری برپا شده شد، با دقت عمل می کند. این رهبری اما کماکان آزادیهای سیاسی را درخواست اقلیت نموده که جدید و باروشن فکران و بطور کلی تحمیل کرده های می داند. این تلقی نادرست اما برپایه دلایل و شواهد واقعی استوار شده است. واقعیت این است که شروتمندان جدید در چین و در شمار و درخواست آزادیهای سیاسی، آزادی نامحدود شروتمند شدن و اعاده مالکیت خصوصی را جستجو می کنند و در مورد عظیم مردم چین که هنوز در چنگال عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی اسیرند غمهای به دل راه نمی دهند، اینک رهروشنفکران و تحصیل کرده ها نیز طرفدار آزادی اند و لولایتکه این طرفداری به معنی گرایشهای سیاسی یکسان در آنها نیست نیز حقیقت دارد اما مهمترین حقایق نیاز مردم چین به آزادیهای وسیع سیاسی است که از سوی رهبری این کشور نادیده گرفته می شود. بکار دیگر آپاراتهای حزبی و ارگانهای بوروکراتیک کنترل کارگری و توده ای و نه علینیت و آزادی انتقاد و اعتراض بکار گرفته می شوند تا گمراهان و دشمنان و همه کسانی که از خط حزب تبعیت نمی کنند. به راه آورده شوند، تا با فساد مبارزه شود... و... اما آموخته را آزمودن خطاست، مخلوط کردن مجدد آپاراتهای حزبی و دولتی و کنترل فساد مالی و "گمراهی" فکری توسط حزب، به معنای تکرار یک تجربه شکست خورده است. آبار رهبری چینی شهادت آنرا ندارد که به توده های وسیع مردم که خالق یکی از عظیم ترین و حماسی ترین انقلابات اجتماعی قرن بیستم و مهم ترین زمین لرزه سیاسی و اجتماعی در حیات تاریخ این کشور کهنسال هستند، این امکان را بدهد که دموکراسی سوسیالیستی را تجربه نموده تا فردا به دام فلان اپوزیسیون "دموکرات" و ضد سوسیالیستی نیفتد؟

پاناما

دولت جدید پاناما که توسط دولت آمریکا منصوب شده است، برای مقابله با هرگونه خطر آبی از سوی ارتش، آن را منحل نمود. به موازات انحلال ارتش دستگیری طرفداران ژنرال نوریگا که هم اکنون در یکی از زندانهای فلوریدا در آمریکا بسر می برد، ادامه داشته و تاکنون چند هزار نفر دستگیر شده اند. از سوی دیگر اولیسن غلام مخالفت علنی با حضور نیروهای آمریکایی در پاناما و نیز با دولت جدید این کشور، در میان شهروندان بروز کرده اما هنوز بصورت مخالفت های وسیع و با اعتراضات توده ای گسترده در نیامده است.

اسرائیل

دراولین زدو خورد های بین سربازان اسرائیلی و مردم فلسطین پس از نا آرامیهای مربوط به سومین سالگرد "انتفاضه" دو جوان فلسطینی در رمله به قتل رسیدند. این دوه غلت سنگ - اندازی به یک ماشین گشتی ارتش اسرائیل به سوی سرنشینان آن مورد حمله قرار گرفته بودند. از سوی دیگر دوما مورانیستی اسرائیل که یک زندانی فلسطینی را تا حد مرگ شکنجه دادند. قرار است محاکمه شوند. این اقدام ظاهرا برای پاسخ به اتهامات عفوبین الملل که دولت اسرائیل را مسئول کشتار فلسطینیان معرفی کرده بود، صورت می گیرد. دادستان اسرائیل در این مورد که مسئولین سیاسی دستگاه شکنجه و آدم ربائی "شین بت" سازمان امنیت اسرائیل چه کسانی هستند و چرا آنها محاکمه نمی شوند، سکوت اختیار کرده است.

کلمبیا

دولت آمریکا تصمیم گرفت که یک ... و ... هواپیما بر یک رزمنا و چندین کشتی دیگر را به سواحل کلمبیا اعزام کند تا در آنجا به کشتی مرل قابلهای حامل مواد مخدر بپردازند. این اقدام آمریکا که بدون مشورت با دولت کلمبیا صورت گرفت، با اعتراض شدیدی در این کشور و برورده است. دولت کلمبیا از آمریکا خواست که بجای کنترل مرزهای آبی یک کشور دیگر به کنترل مرزهای هوایی و دریایی خود بپردازد و اجازه ندهد که مواد شیمیایی و تجهیزات و تسلیحات به دست تولید کنندگان کوکائین رسیده و این ماده مخدر در محموله های چند تنی وارد خاک آمریکا شود. دولت آمریکا هنوز پاسخی به اعتراض مزبور نداده است.

کا میوج

کنفرانس پاریس و بلوف نظامی خمرهای سرخ نیروهای نظامی خمر سرخ در هفته های اخیر چند پیروزی نظامی داشته اند که از جمله آنها ورود به حومه یک شهر مرزی و انفجار چند بمب در بنوم پن است. رادیوی نیروهای خمر سرخ ادعا نموده بود که رهبران کا میوج فرار کرده بودند و شهر هوشی مین بنا نهاده شده است. این ادعا، بسیار دقیق تر دوزخ حساب شده دلیل خاصی داشت که عبارت بود از حضور وزیر خارجه استرالیا در کا میوج و دیدار وی با رهبران این کشور و تشکیل کنفرانس پاریس با شرکت نمایندگان اعضای دائمی شورای امنیت در مورد کا میوج، وزیر خارجه استرالیا در این دیدار طرح دولت خسود

برای صلح در کا میوج را توضیح داد. بر طبق این طرح سازمان ملل می بایست اداره امور کا میوج را برای دوره برگزاری انتخابات و مقدمات آن از دولت فعلی تحویل گرفته و در این فاصله نیروهای نظامی شورشیان سلاحهای خود را تحویل داده و بنا هندگان نیز به میهن خود بازگردند. این طرح مورد موافقت دول کامیوج و ویتنام و نیز آمریکا، شوروی و فرانسه قرار گرفته است. در حالیکه خمرهای سرخ طرفدار ایجاد دولتی به رهبری (ظاهری) شاهزاده سیهانوک و در واقع متعلق به آنها به عنوان تنها نیروی مهم و به لحاظ نظامی قابل ملاحظه اپوزیسیون هستند. اولین نشست کنفرانس پاریس انجام شده و بنام گان پنج کشور آمریکا، شوروی، فرانسه، چین، و انگلیس ضمن موافقت اصولی با طرح استرالیا قرار نشست بعدی را برای پی گرفتن این طرح نهادند. در بیانیه پنج عضو دائمی شورای امنیت برای اولین بار نامی از دولت تبعیضی سیهانوک، که صاحب کرسی این کشور در مجمع عمومی ملل متحد است، برده شد و این بمنزله تضعیف موقعیت سیهانوک و دولت او، که بر شرکت خمرهای سرخ اصرار داشتند، تلقی میشود. این موضع مورد استقبال دولت کامیوج قرار گرفته است. در حالیکه اقدامات دیپلماتیک مزبور در جریانند، دولت کامیوج موفق شد و نیروهای مهاجم خمر سرخ را که در صدد تسخیر شهر با تا مبانگ برآمده و در اطراف آن به تمرکز نیرو دست زده بودند، پس براند. هنوز زمین نیست که نیروهای دولتی تا چه حد قادرند در مقابل تهاجمات بعدی ایستادگی کنند.

کنفرانس کو مکون در صوفیه

کشورهای عضو "شورای کمکهای اقتصادی همه جانبه" ، کو مکون ، که ده کشور اروپائی شرقی را در بر می گیرد. در اوائل ژانویه اجلاس عادی خود را برگزار کردند. این اجلاس اما در شرایطی غیر عادی ، یعنی در وضعیت تحولات همه جانبه سیاسی و اجتماعی در کشورهای عضو برگزار شده و بهر و نشان این تحولات را پر خود داشت .

مواضعی که پاره ای از کشورهای عضو کو مکون از جمله مجارستان ، چکسلواکی و لهستان در اجلاس صوفیه اتخاذ کردند و خواهان اجرای فوری مکانیزمهای بازار و ترجیح مناسبات دوجانبه بر مناسبات چند جانبه بین کشورهای عضو شدند، نمونه هائی از گرایش به دورزدن سایر اعضای کو مکون بودند. اتحاد شوروی در مقابل پیشنهاد دهنده که از سال آتی قیمت های جهانی مینای مبادلات قرار گرفته و به علاوه ایجاد یک ارز قابل تبدیل مشترک در دستور کار قرار گیرد .

ایجاد ارز مزبور به کشورهای عضو کو مکون این امکان را می دهد که با آن در بازارهای جهانی معامله کنند. این پیشنهاد شوروی به دلیل اینکه موجب به هم کاری فوری پاره ای از کشورهای که مواد نرزی زای خود را از شوروی به قیمت پائین دریافت کرده و گالاهای مصرفی غالباً نامرغوب را در ازای آن صادر می کنند، از سوی آنها رد شد، اما قرار شد که با یک زمانبندی چند ساله اجرا شود.

اجلاس کو مکون همچنین یک کمیسیون را برای

بررسی راه حلها و پیشنهادات مشخص بسیاری همکاریهای آینده انتخاب نمود. این کمیسیون وظیفه دار که بطور مشخص به تدوین طرحهای کوتاه مدت و بلند مدت برای توسعه مناسبات اقتصادی کشورهای عضو شکل دادن به یک بلوک اقتصادی بپردازد و آنها را به اجلاس آتی کو مکون ارائه دهد.

سفر گوربا چف به لیتوانی

میخائیل گوربا چف دیدار چند روزه ای از جمهوری لیتوانی داشت که می بایست به لحاظ اهمیت آن مورد بررسی قرار گیرد. زمینه عمومی این دیدار یک رشته تحولات در رابطه با جمهوری کرانه بالتیک است. که یادآور فترده آن خالی از فایده نیست :

- جنبه های خلق " در جمهوری بالتیک که به عنوان طرفدار از پروسترویکا ایجاد شده و نقش مهمی در بازسازی سیاسی این جمهوریها داشتند، اساسا تحت سیطره نیروهای ناسیونال لیست قرار گرفته اند که اکنون خواهان گسست از اتحاد شوروی به عنوان گام اول احیای سرمایه داری هستند .

- گرایشات ناسیونالیستی در احزاب کمونیست جمهوریهای کرانه بالتیک نیز تقویت شده و مثلا در لیتوانی حزب کمونیست رسماً از حزب کمونیست شوروی خارج شده است. لذا این تصمیم توسط حزب مرکزی همراه با تصمیم به اعزام گورباچف به آنجا اتخاذ شد .

- رشد گرایشات جدائی طلبانه در بالتیک بر بستر پدیده عمومی پاک رفتن ناسیونالیسم در تقریباً کلیه جمهوریهای شوروی یا بدمورداریایی که بازسازی اتحاد شوروی و موجودیت این کشور در مرزهای فعلی را تهدید می کند، پاسخی اصولی را از سوی رهبری شوروی می طلبد .

گورباچف در دیدار خود به گفتگوها و سخنرانیهای متعددی پرداخت و در مباحثه با مردم کوچه و بازار ، کارگران کارخانه ها و رهبران حزبی، سیمای خود بعنوان رهبری آینده نگر کلمبیا ارزیابی خوشترانه و همه جانبه از مسائل را می طلبد و در عین حال به شعور و اراده مردم احترام می گذارد، نمایش گذاشت. این شیوه او موجب شده صدای ناسیونالیسم کورویما رگونه ای که ارتشهای بخش سرخ - ارتشی که لیتوانی را از وجود نیروهای اشغالگر فاشیست آزاد نمودند را ارتش اشغالگر بیگانه می شمارد، در میان انبوه

فریادهای گورباچف و گورباچف را می شنود. گورباچف در طی دیدارهای خود مواضعی را اعلام نمود که به لحاظ اهمیت آنها را در اینجا ذکر می کنیم :

- بازسازی در اتحاد شوروی نمی تواند به گرایشات جدائی طلبانه و تبدیل این کشور به مجموعه ای در حال تلاشی به پیش رود بنا بر این

اخراج پناهندگان از اتریش رسوایی دمکراسی غرب

روز چهارشنبه ۱۰ ژانویه صدوپنجاه نفر از پناهندگان ترک ساکن ترانس کیرخن یکی از بزرگترین اماکن پناهندگی اتریش را در سرمای ده درجه زیر صفر از این محل اخراج کردند. پس از دوروز فعالیت و اعتراض نیروهای دمکرات و مترقی و بازگرفتن رسوایی این قضیه در مطبوعات وزیر داخله در مصاحبه مفصل تلویزیونی شرکت کرد و این محمل که این کار مورد تأیید وزارت داخله نبوده است و پناهندگان بجای خود بازگردانده شد ه اند قضیه را مختومه اعلام کرد ولی از مصاحبه او معلوم بود که اقدامات محدودکننده علیه پناهندگان و متقاضیان پناهندگی باز هم شدت پیدا کرده است. هم وزیر داخله هم نخست وزیر در مصاحبه های خود از تلاش برای جلوگیری از فعالیت قاچاقچیان و دفاع از خانواده های که کلیه دارائی خود را می فروشند و در مرزها سرگردا نمیشوند صحبت کردند. در عین حال نخست وزیر گفت که اتریش طبق قراردادی که با دولت آلمان و سوئیس دارد موظف است جلو افرادی که عازم این کشور هستند و ویزا ندارند را بگیرد.

هفته ای بعد تلویزیون اتریش اعلام داشت که از تاریخ ۱۷ ژانویه ترکیه برای ورود به اتریش بایستی ویزا داشته باشد. این ویزا سه ماه اعتبار خواهد داشت. شکنجه در اتریش سازمان عقوبین المللی، اتریش را بجا طبر زیر پا گذاشتن ضوابط حقوق بشر محکوم کرد. پلیس دولت اتریش طی سالهای ۸۸ - ۹۸۴ و دو بیست نفر را توهین و شکنجه کرده است. شکنجه ها شامل ضرب و شتم، شلاق، سوزاندن توسط تش سیگار شوک برقی و خفه کردن بوده است. عقوبین المللی اشاره کرد که ۴۵ درصد شکنجه شدگان که علیه شکنجه کنندگان شکایت کرده اند به موضوع تحقیق و بازجویی جدیدی تبدیل شده و در خطر پرداخت جریمه های پولی زیاد قرار گرفته اند. همچنین دو نماینده از حزب سبزها نیز اشاره کردند که به هر شکنجه شده ای که شکایت کند در چسب های مختلفی زده میشود. یکی از این نمایندگان ضمن رد ادعای وزیر کشور مبنی بر اینکه در هر اداره ای و مله نامهربان هست، مساله شکنجه را ساختار پیدا نیست و گفت اگر شکنجه کردن احساس خطری در چارچوب فعالیت اداری خود میکردند هرگز به چنین کارهایی دست نمی زدند.

اعتصاب غذا در فرانکفورت

برای حمایت از زندانیان سیاسی ایران و به منظور اعلام درخواست از هیئت بازرسی زندانیان ایران جهت اعلام گزارش واقعی و نقض حقوق بشر در ایران فعالیت های از جانب نیروهای سازمان ما و سایر هموطنان مقیم خارج کشور صورت میگیرد. از روز شنبه ۲۷ ژانویه تا با زکشت هیئت بازرسی زندانیان ایران به سرپرستی گالیندویل از تهران، اعتصاب غذایی توسط رفقای سازمان مادر فرانکفورت آلمان غربی انجام گرفته است. این حرکت که مورد حمایت نیروهای مترقی آلمانی و سایر کشورهای قرار گرفته، تلاشی برای انعکاس حمایت ما از زندانیان سیاسی و تکمیل گزارش واقعی و همه جانبه از نقض حقوق بشر علیه اختناق در ایران و برپا آوردن همبندانیان سیاسی کشورمان است.



قطعه نامه مشترک

به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد

بر طبق اطلاع در تاریخ ۲۵ نوامبر جمهوری اسلامی ایران پس از سالها ممانعت از بازدید ارگانهای بین المللی، مدافع حقوق بشر از زندانیان سیاسی کشور به یکی از نمایندگان کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد آقای گالیندویل اجازه بازدید از ایران را داده است.

نخستین اینک:

جمهوری اسلامی در سی دهسال حاکمیت ساء خود به کرات حقوق انسانی را وحشیانه پایمال نموده، به اعتراضات بین المللی وقعی ننهاده، از بازدید زندانیان کشورهای کثیر توسط سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر ممانعت بعمل آورده و در موارد معدودی نیز که این سازمانها اجازه ورود به کشور را یافتند با شرط و شروط گوناگون آزادی عمل و حرکت آنانرا شدیداً محدود نموده است.

لذا

ما امضا کنندگان این قطعه نامه در آستانه سفر گالیندویل به ایران حواستهای زیر را مورد تاکید قرار میدهم.

۱- سفر گالیندویل به ایران بایستی بر اساس و مطابق با موازین کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و دیگر سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر صورت گیرد و نه بر اساس مطابق شرط و شروط رژیم اسلامی!

۲- نماینده کمیسیون بایستی از تمامی زندانیان سیاسی، زندانیان سیاسی و نیز گروههای جسمی که تا کنون کشف شده اند، بازدید بعمل آورد!

۳- نماینده کمیسیون بایستی با خانواده های زندانیان سیاسی در بند و یا اعدام شده ملاقات نموده و خواسته های آنانرا مورد توجه قرار دهد. این نماینده همچنین بایستی در مورد وضعیت و سرپرست خانواده های که بمناسبت سالگرد آغاز قتل و عام اخیر زندانیان سیاسی در سپتامبر ۸۹ دستگیر و زندانی شده اند، تحقیق نماید!

۴- کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل بایستی نام تمامی زندانیان سیاسی در بند و اعدامی، و نیز گزارش این سفر احتمالی را بصورت غنی منتشر نماید!

۵- کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل بایستی در جهت قطع شکنجه و اعدام و آزادی بلا واسطه و بی قید و شرط زندانیان سیاسی کشور اقدام نماید!

ما از شما می خواهیم تا در صورتی که جمهوری اسلامی ایران از بازدید نماینده سازمان ملل از زندانیان سیاسی کشور ممانعت بعمل آورد و یا خواستهای فوق را پایمال نماید، اقدامات متناسبی را در جهت بایکوت همه جانبه اقتصادی، سیاسی و ... جمهوری اسلامی در سطح جهانی اختیار نماید.

امضا کنندگان

- ۱- حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست (انقلابی) KPMUPL
- ۲- حزب سبزها Miljeputer de revolutie
- ۳- حزب چپ کمونیستها VPK - گوتمبرگ
- ۴- حزب کارگری کمونیستها APK - استکهلم
- ۵- سازمان جوانان کمونیست KV - استکهلم و گوتمبرگ
- ۶- جنبه خلق برای آزادی فلسطین PFLP
- ۷- سازمان میر شیخی
- ۸- حزب کمونیست شیخی
- ۹- انجمن دوستی سوئد و نیکاراگوه - استکهلم
- ۱۰- کمیته فلسطین دمکراتیک
- ۱۱- کمیته همبستگی با اشغالیه
- ۱۲- سازمان کارگران انقلابی ایران - سوئد

سفر گوربا چف به لیتوانی

بقیه در صفحه ۱۰

دامن زدن به گرایشات مزبور معنای بیجزد خاطر انداختن عملی پروسترویکا و امنیت در اروپای شرقی ندارد

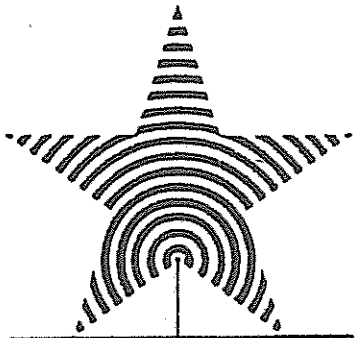
سیر خلافت تصور ساده اندیشانه ناسیونالیستی، جدائی از اتحاد شوروی، تشنیه آغاز مشکلات بیشتر خواهد بود و نه حل آنها، جمیوریهایی کوچک شوروی بدون اتکاب بنیة اقتصادی عمومی شوروی خیلی زود از حرکت به جلو باز خواهند آمد. از این رو قبل از هر اقدامی می باید هزار دفعه فکر کرد!

- شوروی در اصول جدائی جمیوریهایی را می پذیرد و قانون مربوط به آن را به رای گیری عمومی خواهد گذاشت.

- تعداد احزاب به شرطی که نتیجه یک روند عمومی و طبیعی اجتماعی و سیاسی نگرین نیاز جامعه باشد، مورد قبول رهبری شوروی است.

- شورای عالی اتحاد شوروی می باید در آئینده چگونگی روابط جمیوریهایی، حدود اختیارات هر یک و غیره را به نحوی معین کند که جمیوریهایی دارای حداکثر آزادی عمل بوده و دخالت های غیر ضرور مرکز قطع شود.

گوربا چف در دیدار خود نتوانست رهبران لیتوانی را به کنار گذاشتن سیاست اشعاب از حزب و از اتحاد شوروی، راضی کند، اما موفق شد که شکافی بین آنها و ناسیونالیسم افراطی وادیکال ایجاد کند و در عین حال آنها را به خویشتن داری و تا مل بیشتر جلب کند. بدون تردید، روندی که با زبینی دوباره در لیتوانی حداقل در ذهنیات بخشهایی از مردم شروع مثبتی برای جدائی از ناسیونالیسم خواهد بود، اما اینکه این روند بکجا می انجامد، سئوالی است که در آئینده روشن خواهد شد.



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران در راه کارگرها

★ برنامه های سراسری صدای کارگر:

هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتسناه
ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگاهرتز پخش میشود
این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار
میکردد.

★ جمعه ها برنامه ویژه پخش میشود.

★ برنامه های صدای کارگریزه کردستان:

✦ روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت
۶ بعد از ظهر به زبان کردی و فارسی روی موج
کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگاهرتز پخش
میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه
شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد.
✦ جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه
پخش میشود. این برنامه ساعت ۶ بعد از ظهر
جمعه تکرار میشود.

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65

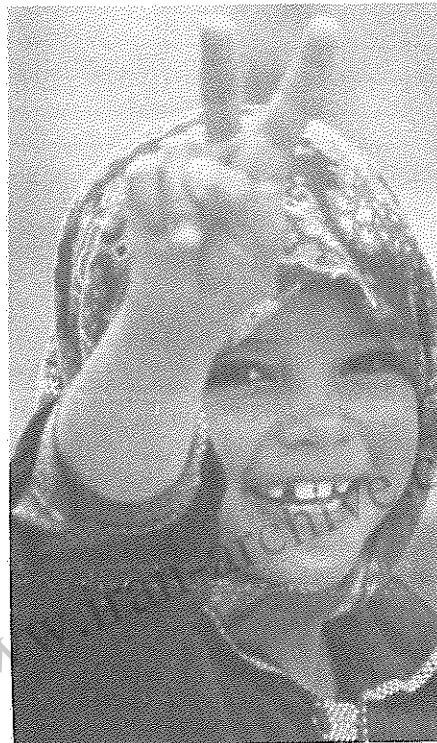
دستگیر شده است که صبح هنگام رفتن به شهر جهت خرید، دختر سه ساله اش انگشتان دستش را بیه علامت پیروزی به سربازان نشان داده بود. سربازان این زن را به زندان اورشلیم منتقل کرده اند. در تابستان یک اردوگاه تابستانی دانش آموزان را به گلوله می بندند و میری را دستگیری کنند چرا که کودکان سرودهای ملی فلسطینی را می خواندند.

فلسطینی ها عموماً مورد توهین واقع می شوند بخصوص در مواقع کنترل پاسپورت و... نفرت نفرت بوجود می آورد و نفرت اسرائیلی ها از فلسطینی ها با نژادپرستی فاطمه ای ندارد. اعمال نفرت انگیز واحدهای ارتش در غرب اردن، بخصوص در مقابل با کودکان چیزی نیست که به این سادگی از ذهن پاک شود. این رفتارها در روزی است که در "آشویتز" مدها کودک بیجود با "آزمایشات پزشکی" برای مرگ شکنجه می شدند. سوابی در آن حد است که خانواده سربازان نیز به اعتراض برخاسته اند.

بقیه در صفحه ۹

گزارشی از فلسطین اشغالی بر علیه کودکان

ترجمه و تلخیص از مجله اشترن شماره ۴۰
قیام دو سال بیش با تظاهراتی خودجوش و سنگ -
برانی از اردوگاه آوارگان توسط جوانان آغاز
شد و پس از آن به شهرها و روستاها کشیده شد. رهبران
P.L.O تنها از طریق همصدائی با "انتفاضه" بود
که توانستند کنترل قیام را کاملاً دست ندهند.



در فلسطین از آنروز تا کنون یک انقلاب در جریان
است.

طبقه حاکمه پس از سالها آقا شی اکتون دیگر فاقد
قدرت است، گروهها و سازمانهای فعال در قیام
کنترل شهرها و روستاها را در دست دارند. رهبران
قیام مشکل بالایی سال سن دارند عموماً جوان
و بیست ساله هستند. با این قیام دیگر میراثهای
سنتی در خانواده عرب نیز شکسته شده است. کنترل
کودکان از دست خانواده بدررفته، مادران سعی
در مهار کردن کودکان دارند چرا که آنها از درگیری با
اسرائیلیها در هراسند و در این میان من ترهبا
با تردید وارد میدان می شوند. و نهایت اینکه:
دو سال است "انتفاضه" مورد کین و تنفیر است
اسرائیلیهاست. این نفرت در مناطق اشغالی هر
روز آتشش تازه ای را موجب می شود. با اقداماتی
ناهنجار آنان در اندک وقتها را بر خلق فلسطینی
می آزمایند. در منشور یهودیان، خلق فلسطین
وجود ندارد بلکه تنها "بخش عرب نشین" رسمیت
دارد.

ابفا دظلم گسترده است مثلاً در روستای "تولکارم"
"کمال ادنا" به این علت دستگیر شده است
که رنگ ضدلیهای پلاستیکی اورنگهای مورد
استعمال فلسطینیان است، سیاه، سفید، سبز و قرمز.
در روستای "بی تین" "سالم نایوه" به این سبب

یا سرا بخوش ۱۲ ساله، دبیر اتحادیه
دانش آموزان و از رهبران جنبش دانش آموزان بر
علیه اشغالگران اسرائیلی، در قهوه خانهای
واقع در رام اله، نزدیک اورشلیم نشسته است.
در طول هفته های اخیر او حتی شیبا در خانه خویشان
نمی خوابید، برادرش وی را متقاعد کرده بود که
مدتی نزد خویشانش در شهری دیگر زندگی کند.
چرا که مطلع شده بود ما مورین نه قصد دستگیری
بلکه کشتن یا سرآوردن وی را دارند. و یا سارا کنون جهت
خدا حافظی یا دوستانش به قهوه خانه آمده بود.

فولکسی جلوی قهوه خانه متوقف می شود، یکی از
دوستان یا سارا او متوجه خطری می کند، سه مرد مسلح
از ماشین بیرون پریدند، یا سردر حال فرار، با پیش
به مانعی برخورد می کنند و سگندری می خورد. در
همین حال با امانت اولین گلوله به زانویش به
زمین می افتد. یکی از مردان مسلح، از فاصله
چهارمتری سه گلوله دیگریه سراسر شلیک
می کند، یکی از شاهدان عینی می گفت یا ساره هنوز
جان داشت. دوستان او می خواستند وی را بیه
بیمارستان ببرند ولی با تهدید افراد مسلح مواجه
شدند "یا سر" را در داخل جیبی انداختند و در حالی
که سرخویشانش از ماشین آویزان بوده جای بردن
به بیمارستان یک ساعت وی را در شهرگرداندند.
خانواده یا سرتوانستند ساعت یازده شب نعش
فرزندانشان را از یک مرکز ارتش تحویل بگیرند آنان
می بایست تحت نظر سربازان اسرائیلی، بیسودون
گریه وزاری، نیمه شب اورادفن می کردند.

تظاهرات عزاداری "یا سر" را زایا محمد صلاح"
معاون ۱۶ ساله او در اتحادیه رهبری می کنند.
"رایا" پس از پایان تظاهرات، هنگام بازگشت
توسط یک گروه ارتش به رگبار بسته می شود.

بیش از بیست مورد دست در دست است که این اعمال
توسط ما مورین امنیتی و گروه ویژه ارتش
صورت گرفته است ولی سخنگوی ارتش در این مورد
می گوید "این تبلیغات تروریست هاست، ما
در مورد "یا سر" گفتنی است که ما مورین شهرداری
مطیع او امرند، اگر افراد مظنون قصد فرار داشته
باشند، ما آنها را دستگیر می کنیم."

برخی در کابینه اسرائیل بر این عقیده اند
که قیام به طرف جنگ می رود و ارتش از هر فرصتی
برای مبارزه علیه خلق فلسطین استفاده می کند.
ولی در این مدت ارتش به پیروزی عادت کرده
اسرائیل نشان داد که در مقابل جوانان و کودکان
غیر مسلح هیچ توانی ندارد. به زعم اسرائیل کار
"انتفاضه" یک عمل تروریستی است. چرا که سراز
کودکان به مثابه اسلحه استفاده می کنند و
"شمیر" در این مورد می گوید "ما از مردم P.L.O
(سازمان آزادیبخش فلسطین) متنفریم، چون آنها
ما را مجبور می کنند که کودکان عرب را بکشیم."